

زنان روستایی و کار آفرینی: ضرورت، چالش ها و راهکارها

دکتر بهمن خسروی پور
دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه
کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
امید مهراب قوچانی
دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ترویج دانشگاه
کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
منتهی بوعدار
کارشناس، گروه ترویج و آموزش کشاورزی
دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و در سال های اخیر رشد قابل توجهی در سطح تحصیلات زنان در جامعه ایران به وجود آمده است، یکی از معضلات مهم شهرها و روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به ویژه زنان تحصیلکرده در جستجوی کار و متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره وری، افت درآمد سرانه و رفاه است، به این لحاظ توجه به استعداد و نقش زنان در چرخه اقتصادی و اجتماعی کشورها به عنوان نیروی کار ضرورت دارد، جذب این تعداد نیروی تحصیلکرده در سازمانهای دولتی و بخش خصوصی به علت تورم نیروی انسانی و گستره محدودی که با آن مواجهند، عملی نمی باشد. لذا یکی از راهکارهای مهم جهت حل این معضل، توسعه کارآفرینی در میان زنان و دختران بوده و توجه به فعالیت های کارآفرینانه در این قشر از جامعه می تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک شایان توجهی نماید. لذا بنا به ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان، و با توجه به اهمیت توجه به تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ضروری به نظر می رسد که شرایط لازم برای توسعه کسب و کار زنان و تقویت روحیه کارآفرینانه در میان آنها فراهم گردد، تا این سرمایه های انسانی جامعه، بتوانند باعث رونق اقتصادی جامعه ایران گردند. این مقاله که به روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و سایتهای معتبر اینترنتی تهیه شده است، تلاش دارد مفاهیم، اهمیت و ضرورت کارآفرینی زنان در روند توسعه و لزوم آموزش و مشارکت زنان در این زمینه را بررسی، موانع و محدودیت های موجود در این رابطه را شناسایی و در پایان راهکارها و پیشنهادهای کاربردی را ارائه نماید.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، زنان، روستا، توسعه، زنان روستایی

مقدمه

یکی از چالش های مهم جوامع انسانی به ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینیتر شدن فعالیتها، تامین اشتغال است (دادگر و ندیری، ۱۳۸۵). علاوه بر آن، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاست گذاریها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد، چراکه رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می شود. از این رو، ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه موضوع راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است (فنی، ۱۳۹۰). در سالهای اخیر، زنان که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند (منصور آبادی و کرمی، ۱۳۸۵. پوریوسفی و دیگران، ۱۳۸۸)، گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده اند و نرخ ورود زنان و دختران به دانشگاهها، سال به سال در حال افزایش است. در حالی که براساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نیز در میان آنها به صورت قابل توجهی در حال افزایش می باشد (علی پور، ۱۳۸۸) یکی از معضلات مهم شهرها و روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به ویژه زنان تحصیلکرده در جستجوی کار و متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره وری، افت درآمد سرانه و رفاه است (فنی، ۱۳۹۰). مناطق روستایی ایران اغلب شامل گستره ای وسیع از زمین های حاصلخیز با خاک مرغوب و آب و هوای مناسب

اقتصادی و توسعه سازمانی^۲، ۲۰۰۹) و کارآفرینی زنان نقش مهمی را در اقتدار زنان و توسعه جوامع ایفا می‌کند. بررسی‌های اخیر نشان داده است که در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها از جمله کشور ما، زنان به شدت به کارآفرینی روی آورده‌اند، اما علی‌رغم این موضوع، ورود زنان به عرصه کارآفرینی همواره با موانع و محدودیت‌های زیادی روبه‌رو بوده است. آمارها نشان می‌دهد، کمتر از ۱۰ درصد از کارآفرینان در ایران زن هستند، و عوامل گوناگونی مانع از بروز و رشد استعدادها بالقوه زنان در عرصه کارآفرینی شده است. کارآفرینی فرآیندی است که نقش حیاتی در تداوم، رشد و توسعه ملی و حتی اقتصادی جهان ایفا می‌کند. لذا لزوم ایجاد بستر و جو مناسب در جهت حمایت‌های منطقی اعم از مادی، معنوی، فرهنگی، تحقیقاتی و علمی از کارآفرینی و کارآفرینان بیش از پیش در کشور ما احساس می‌گردد (میرغفوری و دیگران، ۱۳۸۸) تا بتوان با بهره‌مندی از نیروی کار زنان در مسیر توسعه با گام‌های سریع‌تری حرکت کرد.

اهمیت زنان در روستا

زنان در گسترهی جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹)، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها به‌طور عمده سنتی است، در داخل خانه انجام می‌شود، جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانواده تاثیر بسزایی دارد. با این حال زنان روستایی نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرایند اقتصادی جامعه و خانواده بوده و عدم توجه به توانایی این بخش از جامعه نتایج زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت (موسوی، ۱۳۹۰). زنان روستایی در ایران همانند سایر کشورها به‌صورت گوناگون در عرصه‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فعال هستند و از دیرباز علاوه بر مشارکت در بخش کشاورزی و صنایع روستایی، به‌طور گسترده و فعال در بخش خدمات روستایی نیز نقشی موثر و تعیین‌کننده داشته‌اند. وظایف و نقش‌های گوناگونی که بر دوش زنان خانه‌دار سنگینی می‌کند، نشان‌دهنده سهم عظیمی است که او در فرایند توسعه دارد (مشیری، ۱۳۸۷). فعالیت‌های زنان روستایی بنا به موقعیت خاص فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور متفاوت می‌باشد. بر اساس برخی آمارهای غیرمشابه گفته می‌شود زنان ۷۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت برنج، ۹۰ درصد فعالیت مربوط به سبزی و صیفی، ۵۰ درصد فعالیت مربوط به زراعت پنبه و دانه‌های روغنی، ۳۰ درصد مربوط به امور برداشت باغ‌ها و ۸۰ تا ۱۰۰ درصد فعالیت مربوط به تولید لبنیات^۱ را در بیشتر استان‌های کشور به عهده دارند (نوروزی

می‌باشد اما واضح و مبرهن است که منابع مادی و فیزیکی بدون وجود نیروی انسانی ماهر، کارآمد و خلاق، به هدر رفته و سودی از آن حاصل نمی‌شود (امیدی نجف‌آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵). از آنجایی که بخش عظیمی از جامعه روستایی و کشاورزی را زنان تشکیل می‌دهند (شاوردی و چیت‌ساز، خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰. شریفی و عادل، ۱۳۹۰)، به این لحاظ توجه به استعداد و نقش زنان در چرخه اقتصادی و اجتماعی کشورها به‌عنوان نیروی کار ضرورت دارد (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸). حال با آن که افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده می‌تواند شاخصی برای پیشرفت کشور محسوب شود و فرصت‌ها را برای تسریع روند توسعه فراهم سازد، اما فقدان تناسب میان بازار کار و نظام آموزشی از یک سو و کمبود شغل و مهیا نبودن امکانات لازم برای پرورش ایده‌های خلاق از سوی دیگر شرایط را برای استفاده مناسب از این ظرفیت عظیم فراهم نمی‌سازد (صابر، ۱۳۸۹) و به نظر می‌رسد جذب این تعداد نیروی تحصیل‌کرده در سازمان‌های دولتی موجود که اغلب با تورم نیروی انسانی مواجه‌اند، عملی نباشد. بخش خصوصی نیز باتوجه به گستره محدودش در ایران، طبیعتاً نتوانسته است در جذب این سرمایه‌های ملی موفقیت قابل توجهی داشته باشد (علی‌پور، ۱۳۸۸) از سویی آمارها حاکی از آن است که در شرایط فعلی جامعه ایران که نسبت قابل توجهی از جوانان به ویژه زنان، بیکار و از نعمت اشتغال محرومند و با توجه به اینکه در سراسر دنیا مردمی که در روستاها زندگی می‌کنند علی‌الخصوص زنان، متحمل فقر شدیدی هستند و زنان و دختران چیزی حدود سه پنجم فقرای جهان را تشکیل می‌دهند (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳) و اغلب زنان روستایی مشغول به انجام کشاورزی معیشتی می‌باشند. رویکرد توسعه کارآفرینی زنان در کشور امری ضروری می‌باشد (شیخان، ۱۳۸۸. ساتیاباما^۲، ۲۰۱۰). از طرفی توسعه روستایی عامل بهبود شرایط زندگی افراد کم‌درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعه یک کشور معرفی می‌شود و این خودکفایی جزء برنامه‌های کارآفرینی است (عزیمی، ۱۳۸۸). مهم‌ترین مبحث در بحث‌های توسعه روستایی ایجاد شغل‌های غیر کشاورزی است و در این راستا توانمند ساختن روستاییان از اهمیت زیادی برخوردار است. آمارتیا سن (۱۹۹۹) می‌گوید هیچ چیز امروز در اقتصاد سیاسی توسعه به اندازه تشخیص حق مشارکت و رهبری زنان در توسعه اهمیت ندارد. در حالی که بخش اعظمی از کشورهای جهان به مسائل زنان در قالب بهبود شرایط زندگی آنها می‌نگرند، مفهوم توانمندسازی زنان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه انسانی کمتر مورد توجه قرار گرفته و اولویتی که شایسته است، به آن داده نشده است (نگاهی به آسمان) شعار روز جهانی زن در سال (۲۰۱۲) به توانمندسازی زنان روستایی، پایان دهی به فقر و گرسنگی اختصاص یافت (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲) تجربه کشورهای دارای رشد بالای درآمد ملی نشان‌دهنده آن است که مدیران این کشورها به نقش و اهمیت کارآفرینی در پیشرفت و توسعه کشور پی برده‌اند (شریفی و عادل، ۱۳۹۰). اشتغال و کارآفرینی زنان از اهرم‌های موثر در توسعه اقتصادی و مشارکت اجتماعی به‌شمار می‌رود (رجب‌پور و همکاران، ۱۳۹۰. سازمان همکاری‌های

1- UNIDO

2- Sathiabama

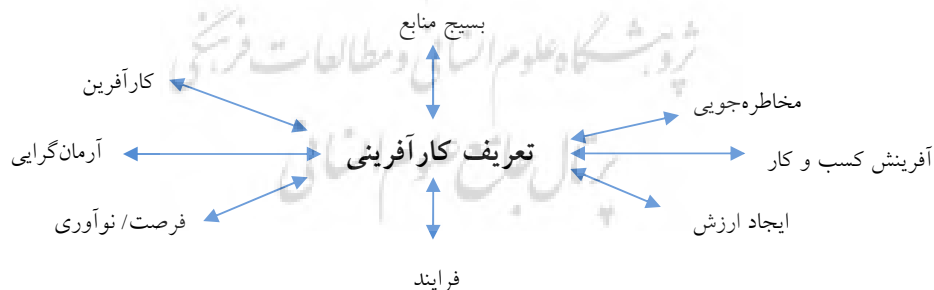
3- OECD

وهمکاران، ۱۳۷۶). امروزه نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم های مهم و نیروهای پیش برنده ی اساسی جامعه روستایی، بسیار حائز اهمیت است، زیرا آنان به عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد روستایی محسوب می شوند و سهمی قابل ملاحظه از نیروی کار و درآمد خانوار را به صورت مستقیم و غیر مستقیم به خود اختصاص داده اند (مشیری، ۱۳۸۷) از طرفی نوع از این رو با توجه به این نکته که زنان روستایی در کانون اصلی توسعه قرار دارند، ارتقای سطح دانش فنی آنها برای زندگی هرچه بهتر اهمیت ویژه ای دارد.

مفهوم کار آفرینی^۱

واژه کار آفرینی از کلمه فرانسوی به معنای متعهد شدن نشات گرفته است (مشیری، بی تاریخ) و معنای این واژه، که به تازگی وارد زبان فارسی شده است، با به اشتباه انداختن افراد نا آشنا به مفهوم اصلی آن، بیش تر، مفهوم اشتغال زایی و پیوند مستقیم و ذاتی با کار (آن هم از نوع فیزیکی) را به یاد می آورد (فیض، ۱۳۸۸) و بایستی به این نکته توجه داشت که تعاریف کار آفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی متنوع است (صابر، ۱۳۸۹. تشیکوکو^۲، ۲۰۰۱. کرامی^۳، ۲۰۰۵). کار آفرینی در دنیای کنونی، در پی کشف روابط تعادلی بین روح و فکر و جسم است و در مجموع کار آفرینی یک فرایند خلق ابتکارها و نوآوری ها و ایجاد کسب و کار جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصت ها و بهره گیری از منابع می باشد، اما تقریباً در تمامی تعاریف کار آفرینی، توافق بر سه مقوله زیر وجود دارد:

- تفکر خلاقانه
 - بهره گیری سازمان یافته از منابع
 - توانایی پذیرش ریسک یا خطر (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵).
- برای کار آفرینان نیز تعاریف خاصی وجود دارد، اما آنچه در اکثر آنان می توان مشاهده کرد این نکته است که کار آفرینان محور توسعه اقتصادی بوده و با تخریب روشهای کهن و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آنها با شیوه های کارآمد و نوین به نظام اقتصادی، پویایی و حیات می بخشند (هزار جریبی و ابراهیمی، ۱۳۸۹)، در واقع می توان گفت، کار آفرین کسی است که با کشف و شناخت فرصت های محیطی و بهره گیری مناسب از منابع، بتواند در شرایط پرابهام و ریسک آمیز به ابتکارات و نوآوریها و ایجاد کسب و کار جدید پردازد (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵). شخص کار آفرین معمولاً مشخصه های ویژه ای دارد از جمله، خلاقیت، نوآوری، تحمل ابهام، نیاز به استقلال، آینده نگری، کنترل درونی، گرایش به رفاه اقتصادی، نگرش مثبت، نیاز به توفیق، اعتماد به نفس و نوآوری که در این میان نوآوری از اعمال کلیدی در فرایند کار آفرینی بشمار می آید (هزار جریبی و ابراهیمی، ۱۳۸۹). خلاصه آن که «کار آفرین» با بسیج منابع به یک کسب و کار تحقق می بخشد. تمامی این موارد را می توان به طور نمادین در تصویر زیر مشاهده نمود.



تصویر شماره ۱: تعریف کار آفرینی. منبع: میرمیران، ۱۳۸۵

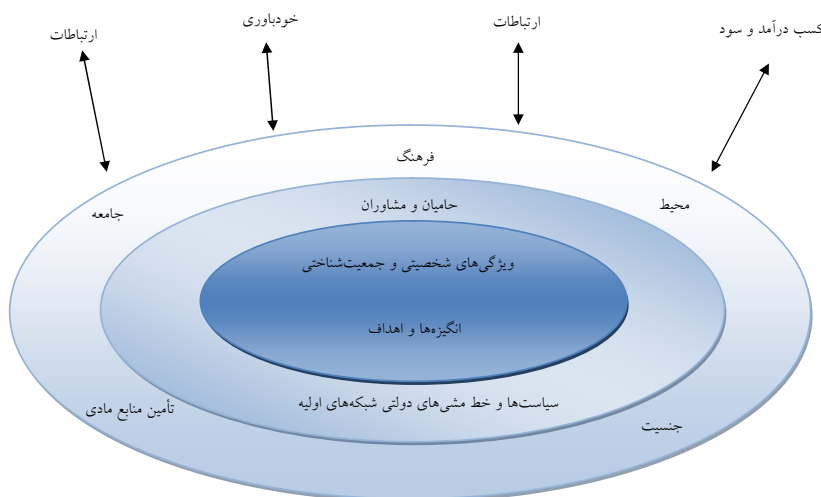
زنان و کار آفرینی

بیست و سومین اجلاس ویژه ی مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰، "تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱" را شعار و دستور عمل خود قرار داد (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۰). تمرکز اصلی چهارمین کنفرانس جهانی زن (۱۹۹۵) در پکن بر پیشرفت و توانمندسازی زنان در حوزه هایی مانند حقوق بشر و زنان، زنان و فقر و غیره بود،

1- Entrepreneurship concept
2- TSHIKUKU
3- Cerami

یعنی زمینه‌هایی که وضعیت زنان نیاز به تغییر قابل ملاحظه‌ای داشت. کارپایه عمل پکن دوازده حوزه نگران‌کننده را در ارتباط با زنان جهان مشخص کرده است: زنان و فقر، آموزش و پرورش زنان، بهداشت و زنان، خشونت علیه زنان، زنان و مناقشات مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان در قدرت و تصمیم‌گیری، ساز و کارهای نهادین برای پیشرفت زنان، حقوق بشر زنان، زنان و رسانه‌ها، زنان و محیط‌زیست و دختر بچه‌ها. شاید بتوان ادعا نمود که مهم‌ترین دستاورد فعالیت‌های سازمان ملل و تمام جهانیان وارد کردن رویکردهای جنسیتی در برنامه‌ریزی‌های راهبردی کشورهاست (جزنی، ۱۳۹۱). توسعه پایدار جوامع و به تبع آن توسعه منابع انسانی وابسته به آن است که دولت‌ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بستر سازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعداد های انسانی از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثر بخش نمایند (صابر، ۱۳۸۹). تحولات جدید جهانی و تغییر رویکردها و نگرش های حاصل از آن باعث شد تا دنیا از حالت در انحصار محض مردان به دنیایی تبدیل شود که در آن زنان جایگاه مطلوب و واقعی خود را پیداکنند و رفته رفته به این حقیقت نایل آید که از یکی دیگر از عناصر تاثیر گذار و با ارزش خود در صحنه معادلات جهانی یعنی نیروی خلاق، مستعد، پر ارزش و انگیزشی بانوان بهره جوید. زنان به جهت این که از کرامت و لیاقت و ویژگی های عالی انسانی برخوردارند و حتی در پاره ای از جنبه ها و زمینه ها ایفاکننده نقشهای اساسی تر و به مراتب حساس تر از جنس مخالف خود می باشند از حقوق عالی انسانی باید برخوردار باشند لذا یکی از مولفه های مهم حقوقی برای زنان به نحوه گزینش و انتخاب شیوه زیستن آنان توسط خودشان بر می گردد که باید مورد احترام و حمایت همه اقشار جامعه قرار گیرد بنابراین اگر کارآفرینی را انتخاب فلسفه نوین زندگی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدانیم باید این حق را برای آنان قایل گشت تا با تمام قوا و به دور از هر گونه تبعیض، ناعدالتی، قالب های سنتی و باورهای مذموم و تنها در سایه شایستگی ها و در چارچوب ارزش های متعالی جامعه در این عرصه اجتماعی حضور یابند (وبلاگ خوشه تورسم، ۱۳۸۸). زنانی که به تنهایی، یا با مشارکت و یا از طریق ارث کسب و کاری را ایجاد کرده و با قبول خطرات مالی و مسئولیتهای اجتماعی، اخلاقی، روانی و مالی در اداره امور روزانه شرکت جویند و با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را ایجاد یا گسترش دهند تا در بازار بر رقبا غلبه نمایند. زنان با کارآفرینی می توانند توانایی های خود را آشکار سازند و موانعی که بر بروز استعدادهای خود دارند رفع نموده و هرروز بیشتر و بیشتر بر جسارت‌های خود بیفزایند. زنان در کشورهای درحال توسعه، امید اول برای ارتقا خانواده ها و رشد و توسعه کشورهای خود هستند. موفقیت زنان کارآفرین در این جوامع نه تنها سبب سود اقتصادی می شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می نماید (گلرد، ۱۳۸۴). مشارکت زنان در بازار کار به کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه، افزایش رفاه اجتماعی

تلاش جهت بهبود وضعیت فعلی و رهایی از مشکلات و موانع موجود بر سر راه کارآفرینی زنان، مسئولیتی جمعی است (صابر، ۱۳۸۹). گلرد ۱۳۸۵ در پژوهش خود با توجه به خصوصیات زنان ایرانی به منظور توسعه کارآفرینی زنان ایرانی مدل زیر را ارائه نموده است.

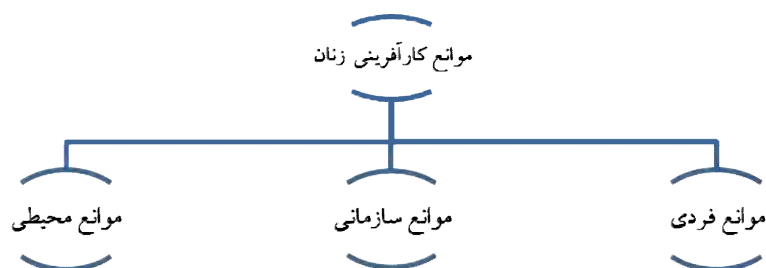


تصویر شماره ۲: مدل توسعه کارآفرینی زنان. منبع: گلرد: ۱۳۸۵

کارآفرینی زنان و موانع آن

بنا به اظهارات اخیر بانک جهانی، به موازات تغییرات جاری در عرصه جهان نظیر کناره گیری دولت ها از حمایت مستقیم کشاورزان، جریان تمرکززدایی، خصوصی سازی و آزادسازی بازار، شرایط زندگی برای فقرا روستایی و زنان وخیم تر شده است. در حالی که رشد جمعیت تقاضا برای کار را در جوامع روستایی به ویژه در کشورهای غیرصنعتی افزایش داده است، محدودیت منابع تولید از یک سو و رشد مکانیزاسیون از سوی دیگر، عرصه را برای اشتغال نیروی کار روستاها تنگ کرده است که پیامد بارز آن در قالب مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها به روشنی مشهود است. در چنین وضعیتی، توسعه کارآفرینی و پایه ریزی مشاغل کوچک خانگی با بهره گیری از خلاقیت های فردی زنان به عنوان شاغلان پنهان جامعه روستایی، یکی از اولویت های مهم استراتژی های جهانی توسعه به شمار می رود که می تواند سهم بسزایی در توانمندسازی مردم محلی، کاهش فقر و بهبود معیشت کشاورزان خرده پا و خوش نشیان جامعه روستایی داشته باشد. در عین حال مطالعات مختلف نشان می دهند که حتی در ممالک پیشرفته دنیا، جریان حرکت جوامع روستایی به سمت توسعه کارآفرینی به ویژه در مورد زنان تا حد زیادی کند است که این مسأله، تحت تأثیر موانع متعدد و متفاوتی به وجود می آید. در ایران نیز اگر چه طی سال های اخیر توجه ویژه ای به موضوع کارآفرینی زنان روستایی شده و برنامه هایی نیز در راستای آموزش و حمایت از زنان روستایی کارآفرین به اجرا در آمده است، با این وجود هنوز تا دستیابی به وضعیت مطلوب راهی طولانی در پیش است و مشکلات فراوانی در این زمینه به چشم می خورد (طهماسبی و میرزایی، ۱۳۸۹). بنابراین مطالعه موانع کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیت های موجود، اصلاح مسیر آتی و در نهایت افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می کند (میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸). موانع کارآفرینی زنان را می توان همانند تصویر شماره ۳، در سه دسته تقسیم نمود:

تصویر شماره ۳: موانع کارآفرینی زنان. منبع: عزمی، ۱۳۸۸



۱- موانع فردی: محدودیت های خانوادگی فردی و شخصی و محیطی که یک زن در آن پرورش می یابد؛

۲- موانع سازمانی: موانع مربوط به یک شرکت اعم از بازاریابی و مالی و غیره است؛

۳- موانع محیطی: موانع عمدتاً فرهنگی اجتماعی و تا حدی قانونی.

بسیاری از روستاییان به علت مسائلی که در عرف یک مردم یک روستا وجود دارد، از فعالیت های اقتصادی دختران یا همسران خود جلوگیری می کنند (موانع فردی). خیلی از سازمان ها به خصوص سازمان هایی که کارهای بازاریابی انجام می دهند، از استخدام زنان خودداری می کنند، چراکه فکر می کنند، ممکن است مردان (که اغلب وظیفه تامین معاش خانوار را بر عهده دارند) حاضر نباشند، با زنان برخورد داشته باشند (موانع سازمانی). از طرفی در ایران زنان از کار کردن در بسیاری از مشاغل بدون اجازه همسرانشان محرومند، یا قانون اجازه نمی دهد که زنان در برخی از مشاغل فعالیت داشته باشند (عزمی، ۱۳۸۸).

ازسوی دیگر زنان کارآفرین در روستا با دو مشکل اساسی در هنگام ایجاد یک شغل و با پایه ریزی یک ایده کارآفرینانه روبرو هستند که در شهرها ممکن است این مشکل کمتر نمود داشته باشد که عبارتند از:

۱- مسائل فرهنگی که در ایران شامل عرف و عقاید مذهبی می شود.

۲- مسائل مالی که زنان معمولاً با منابع کم مالی برای سرمایه گذاری روبرو هستند.

در این رابطه شاید مروجین در حل مسائل فرهنگی و اعتقادی بتوانند نقش مثبتی داشته باشند و در مورد مسائل مالی می توان صندوق های اعتباری را ایجاد کرد که با مدیریت خود زنان اقدام به وام دهی با بهره کم نمایند (عزمی، ۱۳۸۸). سازمان بین المللی کار (۱۹۹۸) موانع زنان کارآفرین را به صورت جدول زیر دسته بندی نموده است:

جدول شماره ۱: موانع زنان کارآفرین از نظر سازمان بین المللی کار

تعریف	انواع موانع
زنان اعتماد به نفس کمتر و تصور منفی نسبت به خود دارند.	موانع رفتاری
تعارض بین وظایف مختلف با محدودیت های زمانی؛	موانع ایفای نقش
دید منفی نسبت به زنان در کار	موانع اجتماعی و فرهنگی
زنان به طور نسبی از سطوح پایین تری نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت های آموزشی شغلی دارند.	موانع تحصیلی
زنان فرصت های کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت های خود دارند.	موانع شغلی
دسترسی به اعتبار، فن آوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات به طور اصولی برای زنان مشکل تر است.	موانع زیربنایی
فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است	موانع قانونی

منبع: (امیدی نجف آبادی و سلطانی، ۱۳۸۵).

نقش نهادهای غیردولتی زنان: منظور از نهادهای غیردولتی، سازمان های غیردولتی، تعاونی ها و موسسات خصوصی متشکل از زنان می باشد (شکریگی، ۱۳۸۴).

نتیجه گیری

کارآفرینان موتور محرکه توسعه اقتصادی هستند و در توسعه کشاورزی و بالاخص توسعه روستایی جایگاه ویژه دارند. توسعه روستایی را نیز می توان عاملی در بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعه یک کشور دانست. کارآفرینی امروزه در روستاها توجه ویژه ای را به زنان مبذول داشته و امیدوار است که امروزه بتواند مشکلات معیشتی، اقتصادی و اجتماعی آنان را از این راه برطرف کند. در بسیاری از کشورها نظیر مالزی، چین، هند و امریکا نیز به همین دلیل توجهات زیادی را به امر کارآفرینی در روستا داده اند و طرح هایی را برای کارآفرینی و اشتغال زنان در روستاها پیاده کرده اند. یکی از چالش های مهم جوامع انسانی به ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینی تر شدن فعالیت ها، تامین اشتغال است. علاوه بر آن، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاست گذاری ها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد چرا که رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می شود. از این رو، ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه موضوع و راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است. لذا بنابه ضرورت توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان ضروری است که شرایط لازم برای توسعه کسب و کار زنان کارآفرین فراهم گردد تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند. با این وجود علی رغم سیر پیشرونده فعالیت های کارآفرینی در کشورهای مختلف، آمارهای موجود بیانگر این واقعیت است که هنوز جامعه ایران نتوانسته است از توانمندی های مربوط به زنان کارآفرین استفاده نماید.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت و جایگاه کارآفرینی در توسعه سهم زنان در اقتصاد ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان موارد زیر پیشنهاد می شود:

- برنامه ریزی اصولی جهت فرهنگ سازی و افزایش آگاهی عمومی در راستای کاهش یا حذف موانع و محدودیت های فردی، سازمانی یا محیطی زنان روستایی در ورود به بازار کار؛
- برنامه ریزی مناسب جهت ادامه تحصیل زنان روستایی خصوصا در مباحث مرتبط با کشاورزی و روستا؛
- برگزاری دوره های آموزشی با توجه به نیازهای آموزشی زنان روستایی با توجه به شرایط خاص؛
- برگزاری دوره های آموزشی برای زنان روستایی در رابطه با کسب و کار و خوداشتغالی با توجه به سطح آموزش های پایه؛

همچنین در یک بررسی انجام شده درباره موانع و مسائل کارآفرینی زنان در هند نیز نتایج زیر حاصل گشته است:

جامعه مردم سالار: اکثر مردم در جوامع در حال توسعه براین باورند که زنان از لحاظ جسمانی ضعیف و کارشان خانه داری است.

فقدان اعتماد به نفس: عدم اعتماد زنان به توانایی خود یکی از عواملی است که فرهنگ جامعه ان را تلقین می کند.

عدم تشویق زنان توسط خانواده ها: تحمل مسئولیت های سنگین خانه و فقدان پشتوانه اقتصادی کافی جهت فعالیت های تجاری از سوی خانواده به زنان اجازه فعالیت های خارج از خانه را نمی دهد.

فقدان انگیزه: عدم بهره مندی از فرصت های مشارکت اقتصادی برای زنان تجربه ای موفق را در کسب و کار آنان ایجاد کرده است.

نگرش محافظه کارانه: نگرش محافظه کارانه زنان که در اکثر عادت های رفتاری غلط در طول تاریخ بوجود آمده آنها را متقاعد کرده که در صورت پذیرش فعالیت در اجتماع بهتر است یک کارمند خوب و یک مزد بگیر مطیع باشند تا یک کارآفرین.

مقاومت در برابر تغییر: زنان به دلیل نداشتن تجربه در امور تجاری بازاریابی مدیریت مالی برنامه ریزی اقتصادی و تولیدی از دخالت در چنین امری حراس دارند.

محدودیت های تحرک پذیری اقتصادی: زنان در جامعه اقتصادی به اندازه مردان آزادی انتخاب مکان های سرمایه گذاری نوع فعالیت تولیدی و وسعت دادن بازار را ندارند (صابر، ۱۳۸۹).

استراتژی های توسعه کارآفرینی زنان

مطالعات مختلف نشان داده است که در تدوین استراتژی توسعه کارآفرینی زنان، ۳ عنصر مهم را باید مد نظر داشت

- حفظ نهاد خانواده؛
- نقش دولت به عنوان سیاست گذار و حمایت کننده؛
- نقش نهادهای غیردولتی.

خانواده: از آنجا که خانواده به عنوان کوچک ترین تشکل، در عین حال منسجم ترین نهاد اجتماعی می تواند در استحکام بنیان های فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی در جامعه موثر واقع شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. اکثر کارآفرینان زن با جلب همکاری و مشارکت اعضای خانواده به خصوص همسران خود در مراحل مختلف ایجاد و توسعه کسب و کار توانستند به بسیاری از موانع محیطی و حتی سازمانی فائق آیند.

نقش دولت: به طور کلی سیاست ها و اقداماتی که دولت می تواند در حمایت از کارآفرینی زنان انجام دهد عبارتند از:

- (الف) تقویت امکانات و تسهیلات آموزشی برای زنان؛
- (ب) ایجاد شبکه اطلاع رسانی برای زنان کارآفرین؛
- (ج) ایجاد فرصت های کسب و کار مبتنی بر دانایی برای زنان کارآفرین؛
- (د) تقویت سازمان های غیردولتی و تعاونی های زنان.

۲۴. میرمیریان، ج. (۱۳۸۵). کارآفرینی جامع. انتشارات کلمه، چاپ اول، تهران.
۲۵. نوروزی، ف. صدیقی، پ. (۱۳۷۶). زنان کلید امنیت غذایی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۱۹، انتشارات کشاورزی.
۲۶. ویلاگ خوشه توریسم. (۱۳۸۸). در دسترس در: <http://torism-karafarini.blogfa.com>
۲۷. ویلاگ زنان و حقوق بشر. (۱۳۹۱). در دسترس در: <http://www.ihrn.ir>
۲۸. هزارجریبی، ج. ابراهیمی، م. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه رابطه بین ویژگی های کارآفرینی شاغلین سازمانی (زن و مرد) و رضایت شغلی. جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و یکم - شماره پیاپی ۴۰، شماره چهارم.
29. Cerami, A. (2005). SOCIAL POLICY IN CENTRAL AND EASTERN EUROPE. THE EMERGENCE OF A NEW EUROPEAN MODEL OF SOLIDARITY?. Universität Erfurt. Staatswissenschaftliche Fakultät. Dissertation zur Erlangung des Grades eines Doktors der Sozialwissenschaft (Dr.rer.pol.) der Universität Erfurt, Staatswissenschaftliche Fakultät.
30. OECD. (2009). The role of employment and social protectionT making economic growth more pro-poor, Policy statement, DAC high-level meeting. Available in: www.oecd.org/dac/poverty
31. Sathibama. K. (2010). Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development. eSS Student papers Sathibama/Women Empowerment.
32. TSHIKUKU, K. (2001). CULTURE, ENTREPRENEURSHIP AND DEVELOPMENT IN AFRICA. INTERNATIONAL CONFERENCE ON THE CULTURAL APPROACH TO DEVELOPMENT IN AFRICA. 10-14 DECEMBER 2001. DAKAR – SENEGAL.
33. UNIDO, UNITED NATIONS INDUSTRIAL DEVELOPMENT ORGANIZATION. (2003). a path out of poverty. Developing rural and women entrepreneurship. Vienna.
34. United Nations. (2000). Five-year Review of the implementation of the Beijing Declaration and Platform for Action (Beijing + 5) held in the General Assembly, 5 - 9 June 2000.
35. United Nations. (2009). World Survey on the Role of Women in Development Women's Control over Economic Resources and Access to Financial Resources, including Microfinance.
36. United Nations. (2012). Intevnational women's day. Available in: <http://www.un.org/en/events/womensday/>